

به پای خود شلیک نکنیم



غلامرضا شکوئی روزنامه نگار

به یک هجوم همه جانبه می ماند کار ما. هجوم همه جانبه از یک کوچه تنگ. خودمان زخم برمی داریم و در هم می شکنیم. قبل از آنکه به هدف برسیم. نگران نشوید. قصه‌جنبایی‌وجنگی نخواهید خواند. این را از باب مثل گفتم تا آنچه خواهد نوشت و سوگی که خواهم خواند بیشتر به ذهن نزدیک شود. می‌خواهم

از «ناخویشتن داری» بگویم که گاه در رفتارمان موج می‌زند. به فکر بردن وبرنده شدنیم اما در حقیقت به یک باخت تمام عیار نزدیک می شویم. ماجرا را یکی از همکاران نجیب ومجید برایم‌فرستاد تا به هشدار قلم‌زنم. قصه در باره بلایی است که داریم بر سر جنگل‌ها می‌آوریم. برداشت بی‌رویه قارچ‌ارزشمند ترافل سیاه‌است که گویا اکسیر جوانی دارد یا برخی‌ها چنین فکر می کنند. همین‌هم‌باعث‌شده‌است، به جای برداشت استاندارد، شاهد ایفلاز باشیم که ریشه درختان را هدف بگیرند. یعنی همان جایی که باید سلامت بماند تا به‌سال‌ها، قارچ تولید کند. اما عجله‌ای که داریم تا زودتر برداشت کنیم ما را بی‌خیال فردا کرده‌است. واقعا تاסף بر انگیز است این خوی که دارد خصلت برجسته‌برخی‌از ماها می‌شود. اف‌قای پیش روی پیشکش، به‌فردای تقویمی هم اگر نظر داشته باشیم باید سنجیده‌تر رفتار کنیم. خواندن این خبر مرا یاد ماجرای مشابه انداخت که در خراسان جنوبی تجربه کردیم. آنجا، بوته‌هایی می‌روید و قد می‌کشند به اندازه درخت دومتری. شیره‌ای سفید از شکوفه‌هایش بیرون می‌زند به اسم کندل/

کنجشک وسنگ

آنچه در تاریکی مجمله‌ها آواز می‌خواند



غلامرضا شکوئی نویسنده و محقق داستان

اول یک تار نازک حساس در سینه همه ما هست که از یک تماس کوچک مرتعش می‌شود و شاید همین است که صورت آدم‌ها را در چشم‌های ما تغییر می‌دهد. در چهره آدم‌ها چیزی هست و رای قشنگی و خوشگلی. همین است که باعث می‌شود آدم‌ها هر قدر

قیافه‌هایشان را جراحی کنند آن

حالتی که حرفش را می‌زنم هنوز آنجا پاشت چشم‌ها و زیر پوست گونه‌ها و در شیرهای کوچک و بزرگ صورت باقی بماند، پرنده‌ای است که همیشه آنجا لانه کرده. شاید نقاش‌های پرده‌های قهوه‌خانه‌ای اینجا را زاده روی می‌کنند که لشکر ظلم‌را با قیافه‌های نخراشیده و چشم‌های دریده می‌کشند. تابع سنت بیهوده‌ای هستند. من آدم‌های خوشگل زیادی دیده‌ام که زشت‌اند. نه به خاطر طرز انتخابی بینی یا تراش گونه‌ها و زیبایی چشم‌ها، نه، فقط به این دلیل که آن تار نازک حساس، برای آن‌ها طور ناجوری مرتعش می‌شود. هنوز که هنوز است سیاست‌مدارها و خواننده‌ها قشنگ دارند اما به خاطر فلان دروغ، فلان خیانت یا فلان دغل بازی‌بدی که کرده‌اند از چشم افتاده‌اند. دیگر وقتی روی شیشه‌های تلویزیون یا گوشی‌ها ظاهر می‌شوند چشم‌ها هیچ حسنی از قشنگی صورتشان ندارند. برعکس آدم‌های زشتی دیده می‌شوند.

همین است که چهره‌ها را عجیب کرده. انگار در لحظه حس می‌کنیم کرسی‌کی پشت آن چشم‌ها لانه کرده است، هیچ قشنگ نیست. حالا چه اهمیت دارد که پره‌ای رنگی داشته باشد یا نه و گنجشکی

کرم که قیمت بسیار دارد. از اواخر خرداد، فصل برداشتش شروع می‌شود. اگر مردم درست برداشت کنند شاید تا اواخر تابستان امکان بهره‌برداری داشته باشند اما دریغا که برخی‌ها به این مهم توجه ندارند و برای اینکه برداشت روزانه بیشتری داشته باشند به آن هجوم می‌برند و شیره را با شکوفه‌هایش یکجا در مشت می‌گیرند و فرصت

بهره‌دهی آن را به‌شدت کاهش می‌دهند. به هیچ صراطی هم مستقیم نیستند. حرف کسی را نمی‌خوانند که برای منافع خودتان هم که شده، درست برداشت کنید تا فرصت بیشتری در اختیارتان باشد. یعنی همان شیوه‌ای که در شمال به رفتار برخی‌ها تبدیل شده است، در شرق کشور هم تکرار می‌شود. این هم به واقع نابودی منافع بلندمدت خودماست که من اسمش را می‌گذارم شلیک به پای خودمان. فکر می‌کنم ما به یک نهضت فرهنگی در سراسر کشور نیاز داریم تا به‌ما بیاموزد رفتار استاندارد را. تعلیم‌مان کند که برای منافع خودمان، برخی مسائل را رعایت کنیم. باور کنیم برداشت به‌قاعده نه تنها سود کمتری عایدمان نمی‌کند که در بازه زمانی افزون‌تر، درآمدمان بیشتر هم می‌شود. امیدواریم دیگر خبرخوان و خبر نویس چنین ماجراهایی نباشیم بلکه با تماشای رفتار درست و برداشت استاندارد و روشمند، ما هم ماجراهای خوب را روایت کنیم تا شما هم خبر خوب بخوانید. شیرین‌کامی‌با خبرهای خوب میسر می‌شود پس خالق ماجراهای خوب باشیم.

دمای هوای مشهد	 1۰٪ ۲۰↓ ۹° رطوبت هوا
 صبح ۶ ظهر ۱۰ عصر ۸ شب ۳	
 اذان ظهر ۱۱:۳۱:۳۵ نیمه شب شرعی اذان صبح فردا ۰۵:۱۰:۱۳ طلوع آفتاب فردا اذان مغرب فردا ۱۶:۴۲:۴۵ شماره ۲۳۰۴۶:۱۲ 	

بهره‌دهی آن را به‌شدت کاهش می‌دهند.

به هیچ صراطی هم مستقیم نیستند. حرف کسی را نمی‌خوانند که برای منافع خودتان هم که شده، درست برداشت کنید تا فرصت بیشتری در اختیارتان باشد. یعنی همان شیوه‌ای که در شمال به رفتار برخی‌ها تبدیل شده است، در شرق کشور هم تکرار می‌شود. این هم به واقع نابودی منافع بلندمدت خودماست که من اسمش را می‌گذارم شلیک به پای خودمان. فکر می‌کنم ما به یک نهضت فرهنگی در سراسر کشور نیاز داریم تا به‌ما بیاموزد رفتار استاندارد را. تعلیم‌مان کند که برای منافع خودمان، برخی مسائل را رعایت کنیم. باور کنیم برداشت به‌قاعده نه تنها سود کمتری عایدمان نمی‌کند که در بازه زمانی افزون‌تر، درآمدمان بیشتر هم می‌شود. امیدواریم دیگر خبرخوان و خبر نویس چنین ماجراهایی نباشیم بلکه با تماشای رفتار درست و برداشت استاندارد و روشمند، ما هم ماجراهای خوب را روایت کنیم تا شما هم خبر خوب بخوانید. شیرین‌کامی‌با خبرهای خوب میسر می‌شود پس خالق ماجراهای خوب باشیم.

که از نی‌نی چشم‌های یک آدم بدقیافه‌پر می‌کشد، تمام وجودش را زبایمی‌کند. با همان معصومیتی که موج می‌زند. بی‌نیاز به بازی رنگ‌ها و تراش‌ها و انحناها. راز پیوندهای جاودانه شاید در همین باشد. وگرنه که دنیا پر از آدم‌های خوشگل زشت است.

دوم مردی که برای خرید ماشین آمده بود، روستایی بود. با صورت برنزه و چین‌های گوشه چشم که موقع خنده عمیق می‌شدند. تعریف کرده بود که از مردم فلان شهر بدش می‌آید و از آن‌ها می‌ترسد. چون ازشان دروغ زیاد شنیده است. تعریف می‌کرد که فروشنده قسم خورده بود ماشین رنگ ندارد ولی توی مسیر تشخیص رنگ، یکپوه به تته‌پته افتاده و گفته گلگیر اندازه یک کف دست رنگ شده، روی صندوق عقب هم آفتاب‌سوختگی را با پولیش و چندا کלק و شامورتی گرفته‌اند. همانجا مرد پیاده می‌شود و حتی یک کلام هم چیزی نمی‌گوید. این رم کردن و رو گرداندن همان ارتعاشی است که توی آن تار نازک حساس می‌افتد. این آدم توی شهری که می‌گفت، آن قدر دروغ و دغل دیده بود که وقتی به آن شهر می‌رفت انگار یک پرده قهوه‌خانه‌ای را جلو چشمش نصف کرده بودند و فقط لنگه چپش را می‌دید، پر از چشم‌های دریده و قیافه‌های نخراشیده.

فرقش فقط اینجا ست که این یکی نقاش، به جای زشت کردن نقشش، آن تار عجیب نامرئی را توی دل بیننده‌های نقش وصل کرده تا چیزی از درون سیرت‌ها به صورت‌ها نشست کند و آن‌ها را از چشم پیندازد.

چندی پیش بود که برای خرید لبنیات به یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مراجعه کرده بودم. فروشگاهی که همواره تنوع محصولات لبنی و تخفیف برندهای مختلفش سبب می‌شود تا مصرف‌کننده قدرت انتخاب بیشتری داشته باشد اما در اولین نگاه نه تنها دیگر خبری از تنوع برندها نبود، بلکه همان اندک برندهای موجود نیز از تنوع محصولاتشان کاسته بودند. همه ماجرا این نبود. تعداد زیادی از لبنیات موجود شامل پنیر و ماست و سایر محصولات تاریخ مصرفشان در حال پایان و مشخص بود که مدت‌هاست در فروشگاه بوده و خریداری نداشته‌اند اما چرا چنین اتفاقی افتاده است؟

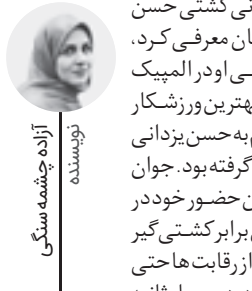
در بهار امسال بود که با حذف ارز ترجیحی و تبدیل آن به یارانه نقدی اعلام شد با این کار قرار است از سوء استفاده‌هایی که از ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی شده جلوگیری شود. ضمن اینکه با پرداخت یارانه در نظر گرفته شده به صورت نقدی از کاهش قدرت خانواده‌ها جلوگیری شود. هر چند آن زمان اعلام شد که سعی بر این است تا از تسری تورم حذف ارز ترجیحی به سایر حوزه‌ها جلوگیری شود و مشکلی برای سبد مصرف خانواده‌ها به وجود نیاید اما در عمل هنوز اندکی از اصلاح قیمتی می‌گذشت که قیمت بسیاری از کالاها گران‌شد و این مسئله سبب شد تا تقاضای مصرفی برای بسیاری از کالاها کم شود. به عنوان نمونه به گفته بنی طبا، سخنگوی انجمن صنایع لبنی، حذف ارز ترجیحی در دوماه اول فقط ۲۰ درصد از سرانه مصرف لبنیات را کاهش داد. البته این روند در همین

 شنبه ۰۴ دی ۱۴۰۱ شماره ۲۳۸۴۸	
 ShahraraneWS.ir Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir	
 میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای	

اول شخص

قهرمانی روی سکوی اول قلب‌ها

درباره حسن یزدانی، کشتی گیر پرافتخار و محبوب کشورمان، هم‌زمان با زادروزش



زاده ششم سنگی

اینکه سال ۱۳۹۵ فدراسیون جهانی کشتی حسن یزدانی را بهترین کشتی‌گیر جهان معرفی کرد، تصمیمی بی‌مبنای عملکرد ورزشی او در المپیک ۲۰۱۶ ریو بود. اما زمانی که عنوان بهترین ورزشکار مرد سال از طریق نظرسنجی مردم به حسن یزدانی رسید، محبوبیت بر مقبولیت پیشی گرفته بود. جوان دهه هفتادی مازندرانی، در اولین حضور خود در المپیک در حالی روی تشک فینال برابر کشتی‌گیر روس حاضر شده بود که تا آن لحظه از رقابت‌ها حتی یک امتیاز به حریفانش ندهاده بود. در چهل ثانیه

نخست‌امو امتیاز از دست داد و تا پایان تایم اول ۶ بر هیچ عقب بود. در تایم دوم به تدریج شش امتیاز از دست‌رفته را جبران کرد و در نهایت به خاطر کسب آخرین امتیاز با نتیجه ۶ بر ۶ برنده رقابت اعلام شد. دست حسن یزدانی را دور به نشانه برتری بالا برد و هم‌زمان میلیون‌ها ایرانی پس از شانزده سال از قهرمانی کشتی آزاد در رقابت‌های المپیک اشک شوق ریختند. این همان مدال طلایی بود که بعد‌ها از سوی حسن یزدانی به موزه آستان قدس رضوی اهدا و در همان سال در لباس خادمی، در محضر امام هشتم حاضر شد. کشتی‌گیر محبوب ایرانی‌ها که هر بار روی تشک کشتی ظاهر می‌شود، کمتر کسی می‌تواند

برای ثانیه‌ای از او چشم‌پردارد. خودش زمانی یک تماشاچی کم‌سن و سالی بود حاشیه‌زمین بازی. بهترین تفریح کودکی اش تماشای کشتی بود و از ده‌بازده سالگی که با برداش کشتی می‌گرفت به چشم‌پدر آمد و زیر نظر امید اسماعیل پور کشتی را به شکل حرفه‌ای آموخت. شش ماه بعد از

آن یکی شیر است که آدم می‌خورد و آن دگر شیر است که آدم می‌خورد

چندی پیش بود که برای خرید لبنیات به یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مراجعه کرده بودم. فروشگاهی که همواره تنوع محصولات لبنی و تخفیف برندهای مختلفش سبب می‌شود تا مصرف‌کننده قدرت انتخاب بیشتری داشته باشد اما در اولین نگاه نه تنها دیگر خبری از تنوع برندها نبود، بلکه همان اندک برندهای موجود نیز از تنوع محصولاتشان کاسته بودند. همه ماجرا این نبود. تعداد زیادی از لبنیات موجود شامل پنیر و ماست و سایر محصولات تاریخ مصرفشان در حال پایان و مشخص بود که مدت‌هاست در فروشگاه بوده و خریداری نداشته‌اند اما چرا چنین اتفاقی افتاده است؟ در بهار امسال بود که با حذف ارز ترجیحی و تبدیل آن به یارانه نقدی اعلام شد با این کار قرار است از سوء استفاده‌هایی که از ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی شده جلوگیری شود. ضمن اینکه با پرداخت یارانه در نظر گرفته شده به صورت نقدی از کاهش قدرت خانواده‌ها جلوگیری شود. هر چند آن زمان اعلام شد که سعی بر این است تا از تسری تورم حذف ارز ترجیحی به سایر حوزه‌ها جلوگیری شود و مشکلی برای سبد مصرف خانواده‌ها به وجود نیاید اما در عمل هنوز اندکی از اصلاح قیمتی می‌گذشت که قیمت بسیاری از کالاها گران‌شد و این مسئله سبب شد تا تقاضای مصرفی برای بسیاری از کالاها کم شود. به عنوان نمونه به گفته بنی طبا، سخنگوی انجمن صنایع لبنی، حذف ارز ترجیحی در دوماه اول فقط ۲۰ درصد از سرانه مصرف لبنیات را کاهش داد. البته این روند در همین

 شنبه ۰۴ دی ۱۴۰۱ شماره ۲۳۸۴۸	
 ShahraraneWS.ir Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir	
 میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای	



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی:
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- مسرد بیسر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: مه‌لن‌شه‌د،
- نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نماینر: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

جدید گرانی



طرح: جلال حاجی زاده

واگوپه

این مشکی با بقیه مشکی‌ها فرق می‌کند



که می‌خواهی باطن خوبی داشته باشی.

این لباس مشکی هم به تومی‌آید و هم به تمام کسانی‌که اهل بیت^(ع) را دوست دارند. وقتی این لباس را تنت کنی انگار لباس جنگ پوشیده‌ای. جنگ علیه هر چیزی که بوی اهل‌بیت^(ع) را ندارد.

این سیاهی رنگی است که وقتی برای عزای اهل بیت^(ع) بپوشی دیگر بالاتر از آن رنگی نیست و در عین حال که سیاه است، خودش رنگی است علیه سیاهی و تیرگی. تو رنگ سیاه انتخاب می‌کنی و شیطان می‌فهمد که از این دنیای رنگارنگ، تو فقط همان رنگی را انتخاب کرده‌ای که یک عاشق روشنایی انتخاب می‌کند. این روزها، رنگ مشکی، رنگ یکرنگی است. رنگ یکرنگی با تمام کسانی‌که مثل تو همین‌رنگ را بر تن کرده‌اند و رنگ‌گمشان از رنگ غم‌بندگان برگزیده خوانده است.

همه سیاهی‌ها هم‌رنگ هم نیستند مثل همین مشکی که این روزها تنت می‌کنی. خودت هم خوب می‌دانی این مشکی با بقیه مشکی‌ها از زمین تا آسمان هفتم فرق می‌کند.

می‌دانی ظاهر تیره این پوشش، یک کوشش است برای روشن شدن باطن.

اطمینان‌خاطر‌داری الان که سیاه پوشیدنت را بندگان خدا ببینند روسفید شدند را اولیای خدا می‌بینند. این لباس، رنگش دقیقاً همان رنگ شب است، اما پر است از عرض ارادت به چهارده ستاره معصوم و همان‌طور که شب را مهتاب زیبا می‌کند، آن را می‌پوشی تا مهتاب محبت اهل بیت^(ع) بر وجود بتابد و درونت را زیبا و روشن کند. پوشیدن بقیه لباس‌ها اگر برای این است که دوست‌داری ظاهری خوب داشته باشی، پوشیدن مشکی نشانه آن است



مهدی حسینی نویسنده